

تجاوز نظامی اسرائیل به ایران و متعاقب آن مشارکت آمریکا در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در فردو، نطنز و اصفهان نه تنها با موفقیت همراه نبود؛ بلکه با انتقادات گسترده جامعه بین الملل همراه شد و اکثر کشورها این اقدام را نقض منشور سازمان ملل متحد و بر خلاف پیمان ان . پی. تی دانستند. یکی از محورهای بحث و گفتگو در محافل رسانه‌ای غرب، بحث کارآمدی و اعتبار موفقیت آمیز بودن حملات نظامی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران بوده است. انتشار گزارش محرمانه درباره حملات هوایی اخیر آمریکا به مراکز هسته‌ای ایران، موج تازه‌ای از انتقادها را در واشنگتن برانگیخت. دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، پس از ابراز تردید کارشناسان نسبت به موفقیت عملیات، رسانه‌های آمریکایی را به یاد حمله‌گرفت و بار دیگر تأکید کرد که تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان به طور کامل منهدم شده‌اند. در حالی که کاخ سفید بر موفقیت این عملیات اصرار دارد، برخی تحلیلگران معتقدند تهران احتمالاً پیش از حملات، سایت‌های هسته‌ای را از اورانیوم غنی‌شده تخلیه کرده‌است. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سه‌شنبه در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز تصریح کرد: «هیچ اطلاعی از سرنوشت دقیق ذخایر اورانیوم ایران پس از حملات وجود ندارد.» او تأکید کرد برنامه هسته‌ای ایران دچار عقب‌گرد جدی شده، اما ابعاد دقیق خسارت هنوز روشن نیست.» در همین حال، پیت هگست، وزیر دفاع ایالات متحده، ضمن دفاع از تصمیم ترامپ، اعلام کرد که «توان هسته‌ای ایران از بین رفته و پنجره‌ای برای صلح گشوده شده‌است.» او با استناد به اطلاعات سازمان سیا تأکید کرد که عملیات اخیر، پروژه هسته‌ای ایران را برای چندین سال به عقب رانده‌است. وی در واکنش به انتشار گزارش اولیه از حملات اخیر، مدعی شد که این اسناد به دلیل تلاش برخی جریان‌ها برای زیر سوال بردن موفقیت عملیات به رسانه‌ها درز کرده و اساساً مبتنی بر اطلاعات ناقص و فرضیات اولیه بوده‌است. اما موج مخالفت مقامات کاخ سفید از رسانه‌های بین‌الملل به چه دلیل بوده‌است؟ آنها در گزارشات خود بر چه مسأله‌ای تأکید کرده‌اند که این گونه با واکنش شدید مقامات کاخ سفید همراه شده‌است. نیویورک تایمز در گزارشی هشدارآمیز، پیامدهای حمله اخیر آمریکا به مراکز هسته‌ای ایران را فراتر از مرزهای این کشور دانسته و نوشته‌است: اقدام نظامی واشنگتن می‌تواند این سیگنال خطرناک را به جهان مخابره کند که در دنیای پرتنش امروز، داشتن سلاح هسته‌ای به تنها سپر دفاعی قابل اتکاتبدیل شده‌است. این روزنامه تأکید می‌کند که حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران، نه تنها احتمال شتاب تهران برای دستیابی به بمب را افزایش داده، بلکه انگیزه سایر دولت‌های غیرهسته‌ای برای ورود به این حوزه را نیز تقویت کرده‌است. درحالی‌که طی دو دهه گذشته هیچ کشوری وارد باشگاه هسته‌ای نشده بود، حالا این سؤال اساسی مطرح است که آیا عملیات اخیر آمریکا، موجب بازدارندگی دیگر کشورها می‌شود یا برعکس، میل به دستیابی به زرادخانه هسته‌ای را بیشتر می‌کند.

◀ **تعلیق همکاری با آژانس**

مجلس شورای اسلامی طرحی را به تصویب رساند که براساس آن همکاری‌های جاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به حال تعلیق درمی‌آید. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، روز چهارشنبه اعلام کرد که این طرح در هر دو مرحله کلیات و جزئیات به تصویب رسیده‌است. به گفته او این طرح تا زمانی که تضمینی برای «حفظ امنیت مراکز هسته‌ای ایران» ارائه نشود، اجرا خواهد شد. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در واکنش به تصویب طرح تعلیق همکاری ایران با آژانس در مجلس ایران در پی حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای این کشور تأکید کرد که ایران «وظیفه» دارد با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، روز پنج‌شنبه در کنفرانسی خبری در مسکو از این اقدام انتقاد کرد و خواستار تداوم همکاری ایران با این نهاد مرتبط با سازمان ملل شد. لاوروف با تأکید بر اهمیت شفافیت در برنامه هسته‌ای ایران گفت: «ما خواهان ادامه همکاری ایران و آژانس هستیم تا همه، از جمله جامعه جهانی، به اظهارات مکرر ایران مبنی بر نداشتن برنامه‌ای برای ساخت سلاح هسته‌ای احترام بگذارند.» میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی واقع در وین در پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «مجلس ایران امروز تصمیم گرفت که همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تعلیق کند. این تحولی طبیعی در پی حملات نامشروع به تأسیسات هسته‌ای ذیل پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود.»

سعید نورمحمدی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

صداوسیما

نباید ملک شخصی

یک جریان سیاسی باشد

در بحران، همه را به رسانه ملی دعوت کردند؛ بعد از بحران چه می‌شود؟

دعوت از همه جناح‌ها به رسانه ملی، عامل انسجام ملی بود

آرمان ملی: ایران پس از جنگ، تفاوت‌های آشکاری با ایران روزهای قبل از جنگ دارد. این روزها مردم ایران با وجود دیدگاه‌های مختلف، در کنار هم قرار گرفته‌اند و یکصد از میهن خود در برابر حمله دشمنان دفاع می‌کنند. این روزها، ایران در معنای واقعی، برای ایرانیان است. اگر در گذشته، رسانه ملی در اختیار گروه خاصی از یک جناح سیاسی بود و فقط دیدگاه تعداد محدودی از مردم از آن رسانه بازتاب می‌یافت، امروز افرادی به رسانه ملی دعوت می‌شوند که هیچ‌کس تصور نمی‌کرد آنه روزی در صداوسیما حضور یابند و آزادانه سخن بگویند. به نظر می‌رسد اگر این رویکرد ادامه پیدا کند، شرایط مثبتی برای کشور ایجاد خواهد شد و همه جناح‌ها

◀ در گذشته نگاهی یک‌سویه در رسانه ملی وجود داشت و حتی فقط بخش خاصی از فعالان یک جناح سیاسی به این رسانه دعوت می‌شدند. آیا صداوسیما در گذشته به تک‌صدایی، چنددستگی و تقسیم مردم به خودی و غیرخودی یاور داشت و امروز رویه‌اش تغییر کرده‌است؟

دودستگی ذاتاً چیز بدی نیست. برای حل مسائل کشور باید دیدگاه‌های مختلف امکان ابراز نظر در سطح ملی داشته باشند تا مسائل از زوایای گوناگون بررسی شوند. این باعث می‌شود در تعیین راهبردها و سیاست‌ها، همه ابعاد یک مسأله دیده شود. اما آنچه در ایران مشکل ساز شده، نوعی دوگانگی در به رسمیت شناختن جریان‌های مختلف است. یک جریان اقلیت که در انتخابات ریاست جمهوری گذشته نیز مشخص شد در اقلیت قرار دارد، همه دیدگاه‌های دیگر را کنار می‌گذارد و اجازه نمی‌دهد افکار متنوع در حاکمیت و رسانه ملی نقش آفرینی کنند. تجربه ۱۲ روز دفاع ملی که ایران انجام داد، نشان داد ما برای شکست دشمن دو مؤلفه در اختیار داشتیم: نخست، توان نظامی و پدافند هوایی کشور و دوم، که به مراتب اهمیت بیشتری دارد، همبستگی و انسجام ملی.



خود را در پیروزی‌های آینده ایران سهیم خواهند دانست. این تصمیم در حالی گرفته شده که حضور مردم در میدان‌ها و ایستادگی آنان در کنار کشور، تمام نقشه‌های غرب برای ناکام گذاشتن نظام جمهوری اسلامی را تا این لحظه نقش بر آب کرده است. حتی تغییر نظام سیاسی ایران را هم تصور کرده بودند، اما آنچه مانع تحقق آن شد، پایدردی ملت در دفاع از کشور بود؛ با وجود انتقادها و حتی مخالفت‌هایی که پیش‌تر داشته‌اند. برای بررسی بیشتر این موضوع با سعید نورمحمدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده‌ایم. او معتقد است اگر این روزها فرصت اظهارنظر به همه جناح‌ها در رسانه ملی داده می‌شود، فردای عبور از بحران نیز باید این روند ادامه یابد.

نگاه کنیم.

بخشی از این انسجام در دعوت از جریان‌های مختلف سیاسی به رسانه ملی نمایان شد.

◀ به عبارت دیگر، این انسجام بود که مانع تحقق مراحل بعدی طرح‌های دشمن شد؟

بله، دشمن خارجی روی اختلافات داخلی حساب ویژه‌ای باز کرده بود و متکی به اپوزیسیون خارج‌نشین بود. آنها تصور می‌کردند با چند پیام، مردم به خیابان‌ها می‌ریزند و حکومت را سرنگون می‌کنند، به خیال خودشان با کمترین هزینه به خواسته‌هایشان می‌رسند. اما مردم ما آگاهانه مقابل این توهم ایستادند و با انسجام ملی، به دشمن فهماندند که طرح‌هایش شکست خورده‌است. ایرانی‌ها هرگز زیر بار تهاجم خارجی نمی‌روند. من معتقدم باید این پدافند ملی، یعنی انسجام اجتماعی، را حفظ کنیم. طرف مقابل حتی به آتش بس هم پایبند نبوده و خودش آن را زیر پا گذاشته‌است. امروز مهم‌ترین مولفه قدرت، مردم هستند و باید در رأس نظام به این نتیجه برسیم که تقسیم‌بندی خودی و غیرخودی را کنار بگذاریم و به همه شهروندان، فارغ از دیدگاه سیاسی، به چشم ایرانی

روایت آذر منصوری از چگونگی تداوم انسجام ملی

باید به تنگناهای اقتصادی توجه شود



جامعه پس از این تجاوز، جامعه عمل نبود. با این حال، مجموعه حاکمیت افزون بر تأمین نیازهای روزمره شهروندان، باید اقدامات دیگری انجام دهد تا این انسجام صد درصدی تحقق پیدا کند. به‌ویژه، رفتار صداوسیما در این موضوع می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد؛ زیرا دسترسی به شبکه‌های اجتماعی به دلایل امنیتی محدود شده‌است و مردم، وقتی دسترسی‌شان محدود می‌شود، به رسانه‌های بیرون مرزی مراجعه می‌کنند که رویکردشان در این ارتباط کاملاً روشن است. پس اگر رسانه ملی در جایگاه و رسالت ملی خود عمل کند، می‌تواند نقشی اثرگذار در تقویت انسجام داخلی ایفا کند.

◀ **نیازمند آسیب‌شناسی عمیقی هستیم**

منصوری در خصوص اینکه چه باید کرد تا انسجام شک‌گرفته پایدار بماند، اظهار کرد: در دوران تجاوز و حمله، همواره بر این نکته تأکید داشتیم که این شرایط می‌تواند به عاملی برای انسجام، همبستگی و همگرایی بیشتر در جامعه ایران در برابر تهدید خارجی تبدیل شود. موضوع دفاع از ایران، حفظ تمامیت ارضی و احساس همگرایی ملی، از جمله مولفه‌هایی است که قابلیت ایجاد وحدت در میان شهروندان را دارد. به

آرمان ملی

سیاست

درهین

کارشناسان بررسی کردند

جنگ اخیر و آسیب‌های امنیتی حضور مهاجران غیرقانونی افغان در ایران

به زعم بسیاری از کارشناسان سیاسی، امنیتی و اجتماعی ورود گسترده و البته غیرقانونی افغان‌ها به ایران آسیب‌های زیادی را با خود به بار آورد، پیش از جنگ اخیر ایران و اسرائیل گفته می‌شد که این حضور می‌تواند نسبت جمعیتی را برهم بزند، فشار اقتصادی به مردم ایران وارد کند و جرم و جنایت را افزایش دهد اما حالا قضیه فرای اینها رفته‌است و باتوجه به آنچه در جنگ اخیر رخ داد، مشخص شد که برخی از مهاجران افغان به عنوان عامل دشمن ایفای نقش می‌کنند و در امر نفوذ صهیونیست‌ها مشارکت داشته‌اند. همین آسیب بزرگ این پرشی را به وجود می‌آورد که از نظر امنیتی برای مهار چنین مسأله‌ای چه باید کرد؟

◀ **دولت پیشین و درهای باز کشور**

یک نماینده مجلس، درباره اتباع بیگانه و لزوم خروج آنها اظهار داشت: نمی‌توان درباره مسأله اتباع افغان سخن گفت، بدون آنکه به صورت کلی به ساختار اطلاعاتی کشور پرداخت. ما چند نهاد اطلاعاتی در کشور داریم که همه آنها وظایف امنیتی خود را انجام می‌دهند اما کاهی در مسائل امنیتی خلأهایی هم مشاهده می‌کنیم که دشمنان از جمله رژیم صهیونیستی از آن خلأها برای نفوذ در سیستم ما استفاده می‌کند، به هر حال ترور اخیر دانشمندان و فرماندهان ما، حاصل اقداماتی بوده که نیازمند برنامه‌ریزی و تفکر در ساختار داشته‌است که همین مسأله نشان می‌دهد مسئله نفوذ به شدت جدی است. احمد بخشایش اردستانی گفت: باید تمرکز بر موضوع نفوذ بیشتر شود و کارگروه‌هایی ویژه در نهاد‌های امنیتی تشکیل شود و هر کارگروه وظیفه مشخص خود را داشته باشد. در فضای مجازی هم نظارت افزایش یابد. شنیده‌ام که اسرائیل حتی در اینستاگرام فراخوان جذب نیرو در ایران داده بود. در این بین افرادی از اتباع دیگر کشورها و بیشتر از مهاجران افغانستان هم جذب کرده بود. یکی از دلایل اینکه برخی از مهاجران افغان جذب شدند، طمع و لوجذب سرویس‌های بیگانه بودند. وی بیان کرد: البته تقلیل مسئله نفوذ صرفاً به اتباع خارجی، رویکرد درستی نیست. هرچند برخی از اتباع افغان جذب موساد شده‌اند، اما اکثریت آنان افراد شریفی هستند که به صورت قانونی در کشور زندگی می‌کنند. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که ورود گسترده اتباع خارجی، بدون ساماندهی مشخص، ممکن است به جای فرصت، به تهدیدی برای کشور در حوزه‌های مختلف اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و البته امنیتی تبدیل شود. بخشایش اردستانی درباره نقشی که اکنون دولت و مجلس در مسأله مهاجران غیرقانونی باید ایفاکنند، تصریح کرد: دولت فعلی باید مشخص کند که آیا قصد دارد مسیر دولت قبل را ادامه دهد یا خیر. یکی از پیشنهادات مطرح شده، تشکیل سازمان ملی مهاجرت و صدور کد یا کارت شناسایی برای اتباع خارجی است. اگر کارت ملی مهاجرت تصویب و اجرایی شود، این سازمان نیز رسمیت و مشروعیت خواهد یافت و بر مشکل دامن می‌زند.

نظارت نظام‌مند

یک فعال و تحلیلگر سیاسی، هم درباره این موضوع اظهار کرد: هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، ارتش شوروی به افغانستان حمله کرد و این کشور را اشغال کرد. در پی این واقعه، موج بزرگی از مهاجرت افغان‌ها به ایران، پاکستان و کشورهای دیگر آغاز شد. مهاجران مرفه به اروپا و کشورهای توسعه‌یافته رفتند، طبقه متوسط به ایران پناه آورد و اقشار ضعیف‌تر عمدتاً به پاکستان و برخی از آنها نیز به کشورهای عربی مهاجرت کردند. مهدی ایتی، گفت: موج‌های مهاجرت دیگری هم رخ داد؛ از جمله بعد حوادث ۱۱ سپتامبر، جنگ آمریکا با طالبان، ظهور داعش و در آخرین ریز، در کنار اصلاح رویکرد، باید به رفتارهایی نیز توجه شود که نهاد رواداری با مردم به شمار می‌آیند؛ از جمله در زمینه سبک زندگی و مقابله با رفتارهایی که موجب تقویت حس تبعیض میان شهروندان می‌شود. منصوری تصریح کرد: در سیاست داخلی و سیاست امنیتی، به‌ویژه در حوزه امنیت ملی، لازم است توجه ویژه‌ای صورت گیرد. بار دیگر بر نقش صدا و سیما تأکید می‌کنم، چرا که با گسترش رسانه‌های فرامرزی و سرمایه‌گذاری‌های سنگینی که در این حوزه در حال انجام است، ضروری‌ست رسانه ملی جایگاه و کارکرد ملی خود را بازسازی کند تا مردم احساس نکنند این رسانه تنها تریبون اقلیتی خاص است. در کنار آن، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی نیز باید تمرکز بیشتری بر شناخت و مقابله با نفوذ و جاسوسی داشته باشند. ما نیازمند آسیب‌شناسی عمیقی هستیم تا دریابیم چه عواملی موجب شده‌اند که دامنه نفوذ تا این اندازه گسترش یابد و فجایع تلخی را برای کشور رقم بزند. در چنین شرایطی، باید به مولفه‌هایی که می‌توانند شکاف میان حاکمیت و ملت باری رساند، با این حال، اگر اصرار است این انسجام تداوم یابد، باید در کنار توجه به مطالبات مردم، به تنگناهای اقتصادی کشور نیز توجه شود. عبور از این وضعیت نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات در شیوه حکمرانی است؛ اصلاحاتی که پیش‌تر هم بارها بر ضرورت آن‌ها تأکید شده بود مثل زندانیان سیاسی و منتقدان مصلح. رئیس جبهه اصلاحات اذعان کرد: یکی از نهادهایی که نیازمند تغییر رویکرد و

عملکرد است، رسانه ملی یا همان صدا

و سیماست. سال‌هاست که این رسانه، با دامن زدن به فضای دوگانه «خودی» و «غیرخودی»، سبب طرد بسیاری از منتقدان دلسوز و وطن‌دوست شده و در شکل‌گیری حلقه‌های بسته‌ای از قدرت، که بعضاً نفوذپذیر بوده‌اند، نقش داشته است. نتیجه این رویکرد، ایجاد فضای بی‌اعتمادی و فراهم شدن زمینه‌هایی برای رخنه دشمنانی شد که در یک اقدام غافلگیرانه، توانستند برخی از فرماندهان عالی‌رتبه و دانشمندان کشور را هدف قرار دهند. از این رو، در کنار اصلاح رویکرد، باید به رفتارهایی نیز توجه شود که نهاد رواداری با مردم به شمار می‌آیند؛ از جمله در زمینه سبک زندگی و مقابله با رفتارهایی که موجب تقویت حس تبعیض میان شهروندان می‌شود. منصوری تصریح کرد: در سیاست داخلی و سیاست

امنیتی، به‌ویژه در حوزه امنیت ملی، لازم است توجه ویژه‌ای صورت گیرد. بار دیگر بر نقش صدا و سیما تأکید می‌کنم، چرا که با گسترش رسانه‌های فرامرزی و سرمایه‌گذاری‌های سنگینی که در این حوزه در حال انجام است، ضروری‌ست رسانه ملی جایگاه و کارکرد ملی خود را بازسازی کند تا مردم احساس نکنند این رسانه تنها تریبون اقلیتی خاص است. در کنار آن، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی نیز باید تمرکز بیشتری بر شناخت و مقابله با نفوذ و جاسوسی داشته باشند. ما نیازمند آسیب‌شناسی عمیقی هستیم تا دریابیم چه عواملی موجب شده‌اند که دامنه نفوذ تا این اندازه گسترش یابد و فجایع تلخی را برای کشور رقم بزند. در چنین شرایطی، باید به مولفه‌هایی که می‌توانند شکاف میان حاکمیت و ملت باری رساند، با این حال، اگر اصرار است این انسجام تداوم یابد، باید در کنار توجه به مطالبات مردم، به تنگناهای اقتصادی کشور نیز توجه شود. عبور از این وضعیت نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات در شیوه حکمرانی است؛ اصلاحاتی که پیش‌تر هم بارها بر ضرورت آن‌ها تأکید شده بود مثل زندانیان سیاسی و منتقدان مصلح. رئیس جبهه اصلاحات اذعان کرد: یکی از نهادهایی که نیازمند تغییر رویکرد و